خبر

سیدجمال‌الدین اسدآبادی در «رژی»

مستند سینمایی «رژی» تازه‌ترین محصول مرکز مستند سوره درباره پرتره‌ای از سیدجمال‌الدین اسدآبادی در واقعه نهضت توتون و تنباکو است.
همزمان با انجام آخرین مراحل فنی، مستند سینمایی رژی، تازه‌ترین محصول مرکز مستند سوره به تهیه‌کنندگی امیر روئینی و کارگردانی امیر روئینی و علی کوشا خود را برای حضور در هفدهمین جشنواره بین‌المللی فیلم مستند ایران ،سینماحقیقت آماده می‌کند.
به‌تازگی فخرالدین صدیق شریف به‌عنوان گوینده متن به این پروژه پیوسته است و همچنین صداگذاری و اصلاح رنگ و نور این اثر، مراحل پایانی را سپری می‌کند.
رژی که مراحل تحقیق و پژوهش آن نزدیک به پنج ماه زمان برده و نگارش فیلمنامه و جست‌وجوی تصاویر آرشیوی آن نیز دو ماه به طول انجامیده، با بهره بردن از آرشیو موجود و بازسازی صحنه‌های مربوط، نگاهی به زندگی و فعالیت‌های مبارزاتی سیدجمال‌الدین اسدآبادی، اندیشمند سیاسی دارد.این مستند سینمایی به‌جای آن‌که صرفا گزارشی از یک واقعه باشد، پرتره‌ای از سیدجمال‌الدین اسدآبادی در واقعه دراماتیک نهضت توتون و تنباکو است. رژی از طریق فراخوان «سینماحماسه» و با رویکرد ساخت مستند از شخصیت‌های حماسی ایران، در فرآیند تولید قرار گرفت.





نگاهی به کم‌فروغ‌شدن نقش ستاره‌ها در اکران

فروش سینما بدون سوپراستارها

علی رستگار
گروه فرهنگ و هنر

**ستاره‌ها یا بازیگران نقش‌های اول چقدر می‌توانند فروش یا موفقیت یک فیلم را در گیشه تضمین کنند؟ دلیل دستمزدهای بالای آنها صرفا به‌دلیل بازی خوب و اجرای درست جزئیات نقش‌هاست یا ارتباط مستقیم با اقبال تماشاگران و فروش خوب فیلم‌های‌شان در گیشه دارد؟ اگر صرفا بحث اقتصادی و عرضه و تقاضا مطرح باشد و فیلم‌ها به میزان لازم و موردانتظار سازندگان، فروش خوبی نداشته باشند یا حتی در موقعیتی بدتر فیلم در گیشه شکست بخورد، آن‌وقت اعطای رقم‌های نجومی و خیلی بالا به ستاره‌ها و بازیگران نقش‌های اصلی چه توجیه و ضرورتی دارد؟ آیا سینمای ایران در این سال‌ها و به‌ویژه این چند وقت اخیر، ستاره‌ها و بازیگرانی دارد که عنصری تعیین‌کننده در گیشه باشند و مردم واقعا برای دیدن فیلم تازه‌ای از یک بازیگر، به اصطلاح سرودست می‌شکنند و به سینما می‌روند یا فیلم‌دیدن آنها به دلایل مختلف بستگی دارد که در این میان، حضور بازیگران محبوب و شناخته‌شده تنها یکی از آن عوامل است؟ با وجود این‌که در سینمای جهان همچنان این ستاره‌ها و بازیگران نقش‌های اصلی هستند که سهم مهمی در ایجاد کنجکاوی در تماشاگران ایجاد می‌کنند و حضور آنها در ویترین فیلم است که مخاطبان را به سالن‌های سینما می‌کشاند اما شاید وجود کارگردان‌های سرشناس و قصه‌های جذاب هم نقش تعیین‌کننده‌ای در جذب تماشاگران دارد و مثل گذشته چندان نتوان همه سهم موفقیت یک فیلم در گیشه را از آن ستاره‌ها دانست. در همین موفقیت فروش بالا و موفقیت باربنهایمر (فیلم‌های باربی و اپنهایمر) در گیشه آمریکا و سینمای جهان، واقعا چقدر از استقبال تماشاگران صرفا به دلیل حضور بازیگرانی چون مارگو رابی و رایان گاسلینگ و کیلیان مورفی است؟ به نظر درباره موفقیت اولی بیشتر از بازیگران باید قصه و رنگ‌ولعاب فیلم را دخیل و موثر دانست و در دومی هم سهم کارگردان محبوبی چون کریستوفر نولان و قصه‌ای درباره پدر بمب‌اتم، نقش پررنگ‌تری از حضور مورفی به‌عنوان بازیگری پرطرفدار دارد. در سینمای ایران هم در مقیاسی کوچک‌تر چنین سازوکاری، جایگزین ستاره‌سالاری و بازیگرمحوری گذاشته شده و به‌ندرت پیش‌می‌آید مخاطبان از همه فیلم‌های یک ستاره و بازیگر نقش اصلی استقبال گسترده‌ای کنند و همه آثار آن بازیگر، گیشه‌پسند باشد. با چنین تعریف و مختصاتی، برویم نگاهی به حضور ستاره‌ها و بازیگران نقش‌های اصلی در فیلم‌های اکران امسال بیندازیم و ببینیم چقدر نام و بازی آنها باعث موفقیت فیلم در گیشه شده یا در نقطه مقابل نتوانسته فیلم را از شکست در گیشه حفظ کند و نجات‌بخش آن باشد.

ستاره: بهرام افشاری
فیلم: فسیل
فروش: ۲۵۰/۸۰۵/۶۱۱/۷۹۰ تومان

مکث: البته که سهم بهرام افشاری در موفقیت این فیلم غیرقابل انکار است و او با آن رشادت نمکین بارها باعث خنده و رضایتمندی مخاطبان می‌شود و در هر دو دوره قبل و بعد از انقلاب در قصه عملکرد خوبی دارد اما کمدی بودن فیلم و اکران بهنگام آن در جامعه‌ای ملتهب و نیازمند خنده و داستانی درباره تفاوت‌های فرهنگی، سیاسی و اجتماعی دوران قبل و بعد از انقلاب هم مزید بر علت در فروش خیره‌کننده و رکوردشکنی‌های پیاپی فیلم هستند. به اینها بیفزایید حضور تهیه‌کننده‌ای باهوش چون سیدابراهیم عامریان که پیشتر با فیلم‌هایی چون تگزاس، تگزاس ۲، دینامیت و انفرادی هم رمز و راز موفقیت در گیشه را خوب می‌داند. اگر بخواهیم دوباره به سهم افشاری در فروش خیلی خوب فسیل برگردیم، می‌توانیم از فروش بالای فیلم‌هایی چون سگ‌بند، رحمان ۱۴۰۰ و چشم‌وگوش‌بسته هم مثال بیاوریم.

ستاره: پژمان جمشیدی
فیلم: شهر هرت
فروش: ۵۴/۹۳۹/۹۰۶/۳۰۰ تومان

مکث: پژمان جمشیدی در این چند سال اخیر به بازیگری محبوب در میان برخی تماشاگران تبدیل شده و به‌ویژه در فیلم‌های کمدی از مخاطبان دلبری می‌کند و به سهم خود کار خنداندن آنها و فروش فیلم‌ها در گیشه را راه می‌اندازد. بی‌تردید بخش بسیار زیادی از این میزان فروش برای شهر هرت، به‌دلیل حضور پژمان جمشیدی است. البته او به‌عنوان بازیگر فیلم‌های ناموفقی هم در گیشه دارد، مثل همین «بی‌مادر» که چند وقتی از اکران آن می‌گذرد اما بازی جمشیدی معمولا در کمدی‌ها جوابگوست و نقش تعیین‌کننده‌ای در گیشه دارد، نظیر بخارست، دینامیت، تگزاس، ۵۰ کیلو آلبالو، خوب بد جلف و... با این عقبه، پیش‌بینی می‌شود در صورت مهیابودن محیط اکران، کمدی «ویلای ساحلی» به کارگردانی کیانوش عیاری و با بازی جمشیدی و رضا عطاران که به‌زودی به نمایش عمومی درمی‌آید هم با استقبال تماشاگران و فروش خوب در گیشه روبه‌رو شود. درباره شهر هرت و البته فسیل، باید به حضور کریم امینی به‌عنوان کارگردان هردو فیلم هم اشاره کرد و می‌توان سهمی هم برای او در فروش موفق این آثار در نظر گرفت، هرچند همچنان گزینه‌هایی که ذکر آنها رفت نسبت به کارگردانی امینی در اولویت قرار دارند. اما اگر در ادامه بازهم فیلم‌های این فیلمساز جوان به چنین توفیقات گیشه‌پسندی دست پیدا کرد، می‌توان سهم او را در این پیروزی‌ها ارتقا داد.

ستاره‌ها: محسن تنابنده و پریناز ایزدیار
فیلم: سه‌کام حبس
فروش: ۱۹/۵۴۳/۷۴۱/۵۰۰ تومان

مکث: محسن تنابنده و پریناز ایزدیار هر دو از بازیگران خوبی هستند که هر نقشی را از آب و گل درمی‌آورند، به‌ویژه تنابنده که توانایی بالایی در لهجه و بازی در نقش‌های کمدی و جدی دارد. محبوبیت تنابنده و ایزدیار نزد مخاطبان، بیشتر برآمده از ویژگی‌های مثبت بازیگری آنهاست وگرنه هیچ‌کدام ستاره نیستند، چون اگر واجد مختصات ستاره‌ها و در آن موقعیت بودند، باید توقعات گیشه را هم برآورده می‌کردند. اما فارغ از روشنایی کاذب ستاره‌ها، مخاطبان از آنجایی که نسبت به کیفیت و جذابیت حضور و بازی تنابنده و ایزدیار اطمینان همواره‌ای دارند، از هر اثری با حضور آنها استقبال می‌کنند، حالا این اقبال ممکن است منجر به موفقیت در گیشه هم بشود. درباره «سه‌کام حبس» چنین اتفاقی رخ داده و حضور خوب تنابنده و ایزدیار باعث موفقیت یک فیلم تلخ اجتماعی در گیشه شده که تا اینجا، آن را در جایگاه سوم پرفروش‌ترین فیلم سال نشانده است. با نگاهی به کارنامه این دو بازیگر هم با وضعیت کم و بیش یکسانی در اقبال مخاطبان مواجه‌ایم و هر دو در این مسیر فیلم‌های پرفروش هم داشته‌اند: ایزدیار با فیلم‌هایی نظیر «ملاقات خصوصی»، «متری شیش و نیم» (هرچند نمی‌توان برای حضور کوتاهش سهم موثری در فروش بالای فیلم قائل شد)، «سرخپوست و ابد و یک روز» و تنابنده هم با فیلم‌هایی چون «قهرمان»، «محمد رسول ا...» و «سن پترزبورگ».

ستاره‌ها: احمد مهرانفر و فرزاد فرزین
فیلم: آهنگ دونفره
فروش: ۱۸/۷۸۹/۵۲۸/۰۰۰ تومان

مکث: احمد مهرانفر بازیگری کاربلد و دوست‌داشتنی است و مخاطبان نقش‌های خوبی با بازی او به یاد دارند. حضور مهرانفر در بعضی از پرفروش‌ترین فیلم‌های این چند سال از جمله «انفرادی» و «دینامیت» هم نشانه‌ای از محبوبیت این بازیگر است، با این حال برای بالا بردن دُز موفقیت فیلم در گیشه، نیاز به ستاره و بازیگر بانمک دیگری هم احساس می‌شود و در یک پاسکاری و بده‌بستان خوب است که نمک و بازی مهرانفر به چشم می‌آید و به موفقیت فیلم در گیشه کمک می‌کند. در «آهنگ دونفره»، بیشتر این وظیفه بردوش خود مهرانفر است، برخلاف فیلمی مثل انفرادی که رضا عطاران نقطه ثقل کمدی فیلم بود. بنابراین بخش زیادی از موفقیت آهنگ دونفره، متعلق به مهرانفر است و بعد می‌توان به گزینه‌هایی چون حضور فرزاد فرزین به عنوان خواننده ی محبوب طیفی از مخاطبان و قصه و فضای کمدی خود فیلم رسید.

ستاره: جواد عزتی
فیلم: کت چرمی
فروش: ۱۴/۰۰۷/۶۴۹/۷۲۵ تومان

مکث: اگر بگوییم جواد عزتی محبوب‌ترین بازیگر این چند سال سینمای ایران است، زیاده‌روی کرده‌ایم؟ اگر از صفت تفضیلی «ترین» هم عقب‌نشینی کنیم، عزتی قطعا یکی از دوسه چهره محبوب بازیگری است و بسیاری از مخاطبان منتظر هر نقش‌آفرینی تازه از او هستند. توانایی او در نقش‌های کمدی و جدی هم نقش به‌سزایی در محبوبیتش دارد و پیگیری کارنامه‌اش را با غافلگیری‌های مثبتی همراه می‌کند. عزتی همان‌قدر که می‌تواند با همراهی عطاران در «هزارپا» به شکلی اساسی خودی بتکاند و مخاطبان را از خنده روده‌بر کند، در نقش حجت در «شنای پروانه» هم می‌تواند دست مخاطبان را بگیرد و خیلی تلخ و جدی به دل ماجرا ببرد. به جز این که تقریبا همه سهم موفقیت کت چرمی را باید به حساب حضور عزتی نوشت، باید به موفقیت و محبوبیت آثاری چون «زخم کاری»، «شنای پروانه»، «ماجرای نیمروز: رد خون»، «چهار انگشت»، «هزارپا» و «آینه بغل» هم با حضور موثر عزتی اشاره و استناد کرد.

برش

ستاره‌های کم‌سو

اگر از فروغ ستاره‌ها و بازیگرانی چون بهرام افشاری، پژمان جمشیدی، محسن تنابنده، پریناز ایزدیار، احمد مهرانفر، فرزاد فرزین و جواد عزتی در گیشه امسال سینمای ایران تا این مقطع زمانی بگذریم که نقش مهم و تعیین‌کننده‌ای در چرخش چرخ اقتصاد سینما بازی کرده‌اند، باقی ستاره‌ها و بازیگران نام‌آشنای فیلم‌های گیشه به‌ویژه در این نوبت اکران، نتوانستند آن‌طور که باید دست آثار را بگیرند و در دست تماشاگران بگذارند. شاید حضور آنها به لحاظ هنری به ارزش و اعتبار فیلم‌ها افزوده و حتی بازی‌شان واجد نکات جذابی برای اشاره باشد اما ناکامی‌شان در گیشه و در جذب طیف گسترده‌ای از مخاطبان هم محسوس است. هرچند در این شکست اقتصادی باید علل دیگری چون فیلمنامه و شخصیت‌پردازی ناکافی و کارگردانی را هم دخیل و موثر دانست و بازیگران محبوب و معتبر را تنها مقصر در این زمینه قلمداد نکرد. فرهاد اصلانی به عنوان نقش اصلی «ستاره‌بازی» باوجود بازی‌های خوب در کارنامه، چندان نقش و فیلم پرفروش ندارد و اگر هم به آثاری چون «برادران لیلا» (در اکران خارجی)، «متری شیش و نیم» و «مغزهای کوچک زنگ‌زده» اشاره می‌کنیم، ستاره‌ها و عوامل دیگر نسبت به او در اولویت قرار دارند. بنابراین توقع فروش بالا از ستاره‌بازی از اساس اشتباه است. اینجا حتی بازیگر مطرح آمریکایی مایکل مدسن هم دردی از گیشه دوا نمی‌کند، کما این‌که حضورش در فیلم‌های تارانتینو هم زیرسایه سنگین خود فیلمساز و دیگر ستاره‌های اسم و رسم‌دارتر قرار دارد. بعد از رفتن هم با وجود بازیگرانی چون صابر ابر، سارا بهرامی و پوریا رحیمی‌سام، مستعد فروش بالا نیست و هیچ‌کدام بازیگر پرفروش و رکوردشکنی نیستند و مخاطب تنها از آنها توقع همیشگی یک بازی خوب را دارد.
همین وضعیت درباره فیلم بی‌مادر با بازی امیر آقایی، پردیس پورعابدینی و میترا حجار هم صادق است. حتی حضور پژمان جمشیدی در نقشی جدی باگریم متفاوت هم به کار فروش فیلم در گیشه نمی‌آید، چون مخاطبان بیشتر این بازیگر را در نقش بانمک همیشگی‌اش در سینمای کمدی دوست دارند.
سحر قریشی به‌عنوان ستاره نارگیل ۲ هم مدت‌هاست در سینمای ایران غایب است، هرچند در همان زمان اوج فعالیت هنری‌اش هم ستاره‌ای تعیین‌کننده در گیشه نبود و فیلم‌هایی با حضور او در همراهی با ستاره‌های دیگر به فروشی متوسط دست پیدا می‌کردند. آخرین تولد هم بازگشت برادران محمودی به سینمای همیشگی خود است و در آن نشانی از هیجان و التهابات سریال پوست شیر نیست که توقع فروش بالا در گیشه را داشته باشیم. حضور الناز شاکردوست در نقش اصلی فیلم هم بیشتر حکم تجربه تازه در کارنامه این بازیگر را دارد و از وجوه ستارگی او فاصله دارد. هرچند در آن مختصات هم شاکردوست، ستاره‌ای خیلی پرفروش نبود. ستون ۱۴ هم با بازی روزبه حصاری و میترا حجار در نقش‌های اصلی، اساسا نشانی از موفقیت تجاری در گیشه ندارد. دست‌انداز با بازی هدی زین‌العابدین، رویا نونهالی و رضا کیانیان هم باوجود بازیگرانی معتبر، چنین حال و روزی در گیشه دارد. از اکبر عبدی این سال‌ها هم توقع فیلم پرفروش نداریم، هرچند ناکامی آثاری از جنس معجزه عشق به عوامل دیگری هم بستگی دارد. یادمان نرود که عبدی زمانی ستاره سینمای کمدی بود و فیلم‌های پرفروش و پرمخاطب زیادی در کارنامه دارد. از ترکیب بازیگران پرونده باز است هم یک ستاره بفروش درنمی‌آید و اگر کارنامه چند سال اخیر زنده‌یاد کیومرث پوراحمد را هم درنظر بگیریم، نسبت فیلم با گیشه کاملا مشخص می‌شود. فیلم‌های عروسی مردم و شهرک هم با وجود امتیازات، آثاری نیستند که برای موفقیت در سینمای تجاری و گیشه تعریف شده باشند. حتی اگر بازیگرانی چون نازنین بیاتی (عروسی مردم) و ساعد سهیلی (شهرک) نقش‌های اصلی آثار را بازی کرده باشند، دو بازیگری که برخلاف متر و معیارهای مرسوم ستارگی، چند فیلم پرفروش در کارنامه دارند: بیاتی فیلم‌هایی مثل شادروان، سگ‌بند، دینامیت و آینه بغل و سهیلی هم فیلم‌هایی چون گشت ارشاد، لاتاری و ۵۰ کیلو آلبالو.

قاب

وصف سینما از حال اربعین

هشت دستگاه «سینما سیار» این روزها در مرز ایران و خاک عراق برای ارائه خدمات و نمایش فیلم مستقر شده تا در حین استراحت در ایام پیاده‌روی اربعین به زائران خدمات ارائه دهد. این سینماهای سیار در مرزهای: مهران (ایلام)، خسروی (کرمانشاه)، چذابه (خوزستان)، میرجاوه (سیستان‌وبلوچستان) و آذربایجان‌غربی (خروجی شهر محمدیار، جنب پلیس‌راه، موکب شهدای محمدیار) در خاک ایران استقرار دارد و سه دستگاه سینما سیار در خاک عراق: موکب خراسان‌جنوبی (کوفه)، موکب سیستان‌وبلوچستان (عمود ۱۳۱۱ کربلا و موکب مشکین‌دشت در نجف مستقر است.



استراتژیک

روایتی سینمایی از مقابله با تروریست‌ها



فیلم سینمایی «لیث» با روایت‌هایی از مقابله با تروریست‌ها در سیستان و بلوچستان ساخته می‌شود. محمدرضا شرف‌الدین، تهیه‌کننده سینما که مدتی قبل پروانه ساخت فیلم لیث را از سازمان سینمایی دریافت کرده، به ایسنا گفت: پیشتر پروانه ساخت فیلمی را گرفته بودم که به تازگی با تغییر اسم آن به لیث مجوزش تمدید شده و در تلاش هستیم تا با فراهم شدن شرایط، فیلم را جلوی دوربین ببریم. او با اشاره به بودجه زیادی که فیلمش نیاز دارد، افزود: با توجه به این‌که موضوع فیلم به نیروی انتظامی ارتباط دارد، در تلاش برای هماهنگی با آنها هستیم.
همچنین تامین بودجه و حضور سرمایه‌گذار را هم دنبال می‌کنیم تا بعد از آن بتوان کار را پیش برد. به گفته شرف‌الدین داستان فیلم لیث در منطقه سیستان‌وبلوچستان می‌گذرد و اسم قهرمان فیلم هم لیث است که قصه‌ای را درباره مقابله نیروی انتظامی با تروریست‌ها روایت می‌کند.
شرف‌الدین سال‌ها تجربه و مسئولیت جلوه‌های ویژه فیلم‌هایی همچون مزرعه پدری، عقرب، گروگان و قافله را برعهده داشته و تهیه‌کننده فیلم‌های فرزند صبح، پرنده باز کوچک، بی همتا، بالای شهر پایین شهر، چوبخط و سه و نیم نیز بوده است.

تولید

خروجی‌های تازه پروانه ساخت



شوراهای پروانه ساخت آثار سینمایی و غیرسینمایی در جلسه اخیر با چهار فیلم‌نامه سینمایی و سه فیلم‌نامه غیرسینمایی موافقت کردند. فیلم‌نامه‌های سینمایی «نابرادر» به تهیه‌کنندگی، کارگردانی و نویسندگی مهدی فخیم‌زاده، «نفس خور» به تهیه‌کنندگی سیدمازیار هاشمی، کارگردانی محمد کارت و نویسندگی محمد کارت و رضا بهاروند، «نقطه صفر زمین» به تهیه‌کنندگی حبیب ا... والی‌نژاد، کارگردانی و نویسندگی امیرعباس ربیعی، «گمشده» به تهیه‌کنندگی علی اکبر ثقفی، کارگردانی و نویسندگی مریم برزگر موافقت شورای پروانه ساخت سازمان سینمایی را اخذ کردند. مهدی فخیم‌زاده پیش از این و در سال ۱۳۹۷ سینمایی «مشت آخر» را تهیه‌کنندگی و کارگردانی کرده بود. محمد کارت، کارگردان نفس خور پیش از این سریال یاغی را در شبکه نمایش خانگی ساخته بود. نکته جالب توجه در فیلم نفس خور همکاری رضا بهاروند با کارت است. امیرعباس ربیعی، کارگردان نقطه صفر زمین هم فیلم‌های ضد و لباس شخصی را در کارنامه دارد. مریم برزگر هم که برای فیلم گمشده پروانه ساخت گرفته، پیش از این کارگردانی را در فضای تئاتر و تله فیلم تجربه کرده بود.